

الزامات اجرایی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده.....
۲.....	مقدمه.....
۵.....	بررسی تاریخی.....
۶.....	الزامات قانونی.....
۱۶.....	الزامات اجرایی.....
۲۶.....	نیازهای اجرا در سال تحصیلی (۱۳۹۱-۱۳۹۲).....
۳۱.....	نتیجه‌گیری.....
۳۳.....	منابع و مآخذ.....



الزامات اجرایی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

چکیده

پس از اجرای طرح تغییر نظام مصوب سال ۱۳۴۴ و طرح تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش مصوب سال ۱۳۶۷ که منتهی به اجرای دوره جدید متوسطه از سال ۱۳۷۰ شد، طرح تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش با هدف طراحی تحول بر بنیادهای تعلیم و تربیت اسلامی و نیازهای آتی نسلی، پس از چهار سال فعالیت تخصصی و با مشارکت اساتید دانشگاه و حوزه، سرانجام به تصویب نهایی در شورای عالی انقلاب فرهنگی منجر شد و در آذرماه ۱۳۹۰ از سند رونمایی شد.

به منظور پاسخ به سؤالات اساسی پیرامون الزامات تحقق اهداف سند تحول، مبنی بر اینکه الزامات قانونی، الزامات اجرایی و نیازهای اساسی اجرای سند در سال تحصیلی ۱۳۹۱ - ۱۳۹۲ چه مواردی است، این بررسی به مرحله اجرا درآمد. این بررسی براساس اسناد و مدارک موجود صورت گرفته است.

نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که سند تحول بنیادین آموزش و پرورش سندی بالادستی و سیاستگذاری کلان است و به‌طور مستقیم همه مفاد آن، قابل اجرا و لازم به اجرا نیست. مفادی همانند جزئیات ساختار دوره‌های تحصیلی، تعیین سن تعلیم و تربیت رسمی، نام دوره‌های تحصیلی، تبدیل دوره راهنمایی به متوسطه اول، اصلاح احتمالی طول مدت آموزش اجباری و عمومی، نیاز به طی

روند قانونی است. براساس این مطالعه، تدوین و تصویب مراحل اجرای طرح متضمن مرحله زمینه‌سازی، اجرا و ارزشیابی، تصویب برنامه درسی ملی، اهداف دوره‌های تحصیلی، پیش‌بینی بودجه تحول در ساختار بودجه، از جمله نیازمندی‌های اساسی قبل از اجرای آن است. علیرغم اهمیت زیاد توجه به الزامات قانونی و اجرایی، وزارت آموزش و پرورش با تصویب آذر و دی‌ماه ۱۳۹۰ تصمیم به اجرای طرح از تغییر ساختار دوره‌های تحصیلی و از پایه ششم ابتدایی از سال تحصیلی ۱۳۹۱ - ۱۳۹۲ دارد. این رویه با توجه به پیامدها و معضلات ناشی از اصلاح شکلی ساختار، می‌تواند خسارت‌های تاریخی در نظام آموزش و پرورش کشور را به دنبال داشته باشد.

مقدمه

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با عنایت به عدم ابتدای نظام فعلی به فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، کندی در همپایی با تحولات محیطی، کاستی در تربیت نیروی انسانی در تراز جمهوری اسلامی، پایین بودن نرخ بهره‌وری و اثربخشی در نظام آموزشی در دستور کار وزارت آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت.

در سال ۱۳۸۶ به‌منظور تحقق نظام آموزشی مطلوب، مأموریت تهیه طرح تحول و نوسازی نظام آموزشی از طرف مقام معظم رهبری به شورای عالی انقلاب فرهنگی محول شد. با راه‌اندازی شورای تخصصی تحول و نوسازی نظام آموزشی در



دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی با مشارکت تعدادی از اعضای شورا و نمایندگان دستگاه‌ها و مسئولان و صاحب‌نظران، به‌ویژه مسئولان وزارت آموزش و پرورش و شورای عالی آموزش و پرورش، به اقدام در این مهم مبادرت گردید. با هدایت و ساماندهی بخش‌های تخصصی و همکاری حدود ۵۰۰ نفر از صاحب‌نظران و متخصصین تعلیم و تربیت طی چهار سال فعالیت تخصصی مستمر و فشرده این سند ملی نهایی شده و به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید و سرانجام در آذرماه ۱۳۹۰ با حضور ریاست محترم جمهوری از سند در مراسمی رسمی رونمایی شد.

اکنون که این سند حاصل تلاش اندیشه‌ورزان حوزه و دانشگاه در کشور آماده اجراست، انجام مطالعات در راستای اجرای مؤثر و بهینه آن از اهمیت وافری برخوردار است. اجرای سند به‌گونه‌ای اصولی و کارآمد، گامی مهمتر از تهیه آن است. اگر زحمات بی‌شائبه، ازسوی مسئولان و متخصصان علوم حوزه و دانشگاه پشتوانه مراحل تدوین و تصویب آن است، اجرای برانده آن در نظام جمهوری اسلامی از آن، اهمیتی بالاتر دارد. این مطالعه به لحاظ توجه به الزامات اجرای آن، انجام و به خدمت نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مسئولان کشور و محققان اندیشه‌ورز تقدیم می‌شود.

مسائل اساسی این مطالعه آن است که آیا سند مصوب به لحاظ قانونی آماده اجراست و یا هنوز گام‌هایی قانونی از قبل، وجود دارد که باید صورت پذیرد. به علاوه، قبل از آغاز اجرا در مرحله تمهیدات و زمینه‌سازی اجرا چه گام‌هایی ضرورت دارد که برداشته شود تا اجرای سند پس از یک دوره به‌طور فرضی ۱۲ ساله،

موجبات سرافرازی نظام تعلیم و تربیت ملهم از اسلام در تاریخ این سرزمین را فراهم آورد و نگرانی از عدم دقت در زمینه‌ها و تمهیدات به افسوس تاریخی منتهی نگردد.

البته موضوعاتی از قبیل آنچه در ذیل آورده شده است از مشکلات سند تصویب شده می‌باشد:

- عدم توجه جدی به سیاست‌های کلی اشتغال ابلاغ شده رهبری و ایفای نقش وزارت آموزش و پرورش،

- عدم توجه به قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش مصوب مجلس شورای اسلامی مبنی بر تقسیم قلمرو آموزش به دو بخش آموزش عمومی و نیمه‌تخصصی،

- عدم توجه به فلسفه تعلیم و تربیت حرفه‌ای و تنها تأکید بر فلسفه تربیت رسمی عمومی،

- عدم توجه به طراحی شاخص‌های کلان آموزشی در تعیین جایگاه در منطقه با توجه به سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور در منطقه،

- عدم توجه به سیاست‌های کلان هدایت تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان،

- عدم توجه مناسب به سازکار تعامل با دو نظام دیگر آموزشی (آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی) به‌عنوان یک نظام واحد،

- عدم توجه به سیاست‌های کلی آموزش و پرورش (در حال بررسی و ابلاغ توسط مقام معظم رهبری).



بررسی تاریخی

در سال ۱۳۴۴ اداره کل مطالعات و برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش، طرح جدید نظام آموزش و پرورش را که در شورای عالی آموزش و پرورش در سال ۱۳۴۳ تصویب شده بود تحت عنوان «طرح مقدماتی اصلاح آموزش و پرورش کشور» منتشر کرد. مطابق با این طرح ساختار نظام آموزش و پرورش تعلیمات عمومی به سه دوره پنج‌ساله ابتدایی، سه‌ساله راهنمایی و چهارساله متوسطه تقسیم می‌شد. دوره چهارساله متوسطه نیز به دو شاخه «نظری» و «فنی و حرفه‌ای» تقسیم می‌شد. تعلیمات متوسطه نظری که یک دوره چهارساله است به دو مرحله سه‌ساله و یک‌ساله تقسیم می‌شد. در تقسیم‌بندی دوره در متوسطه، شاخه جامع متوسطه نیز وجود داشت که پس از یک سال اجرا، از ساختار متوسطه حذف گردید.

اقدامات در راستای تغییر و تحول در آموزش و پرورش در دوران پس از انقلاب که به تغییر نظام متوسطه منتهی شد را به سه مرحله می‌توان تقسیم کرد.

مرحله اول: از آغاز پیروزی انقلاب تا تصویب کلیات نظام آموزش و پرورش (۱۳۵۷-۱۳۶۷). مهمترین اقدامات در این مرحله را باید مطالعه در ارتباط با اهداف و ساختار آموزشی، تصویب اصولی از قانون اساسی مانند اصل سی‌ام قانون اساسی، تصویب اهداف و وظایف آموزش و پرورش در مجلس شورای اسلامی، ارائه طرح‌های مختلف در مورد اهداف و ساختار آموزش و پرورش دانست. شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۴ طی مصوبه ۵۰۹ به شورایی به نام «شورای تغییر

بنیادی نظام آموزش و پرورش» مأموریت داد با انجام بررسی‌های لازم، طرح تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش را ارائه کند.

مرحله دوم: از تصویب طرح کلیات نظام آموزش و پرورش تا تصویب «طرح انتقال به آموزش متوسطه» (۱۳۶۷-۱۳۷۰)،

مرحله سوم: مرحله اجرا و استقرار نظام جدید متوسطه (۱۳۷۱-۱۳۸۰).

الزامات قانونی

یکی از مباحث اساسی اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بررسی الزامات قانونی آن است. سؤالی که باید مورد بررسی قرار گیرد این است که اجرای سند به تصویب قوانین و قبل و یا حین اجرا نیاز دارد یا خیر؟ با عنایت به اینکه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی جزء اسناد سیاستی و بالادستی تعریف می‌گردند، آیا احتمال دارد که مواردی از مصوبات آن قبل و یا حین اجرا به قوانین خاصی نیاز داشته باشد که باید توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد؟ بر این اساس باید به بررسی و تحلیل محتوای متن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به لحاظ احکام قانونی مورد نیاز، مبادرت شود. با توجه به تحلیل محتوای صورت گرفته، ذیلاً به ارائه این الزامات می‌پردازیم:

الف) ساختار دوره‌های تحصیلی: در مورد ساختار دوره‌های تحصیلی تعلیم و تربیت رسمی و عمومی - آموزش و پرورش - در این سند، یک بار در بیانیه مأموریت و یکبار در راهکارها، نکاتی بیان شد. در این باره در متن بیانیه مأموریت



ص ۱۰ آمده است: این نهاد - وزارت آموزش و پرورش - مأموریت دارد با تأکید بر شایستگی‌های پایه، زمینه دستیابی دانش‌آموزان در سنین لازم‌التعلیم طی ۱۲ پایه (چهار دوره تحصیلی سه‌ساله) تحصیلی به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی را به‌صورت نظام‌مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثربخش فراهم سازد. در پاورقی همین صفحه آمده است: سن آغاز تعلیم و تربیت رسمی ۵ سالگی است، اما سن افراد لازم‌التعلیم (لازم‌التربیه) طبق قانون مشخص می‌شود. در این سند، در بخش راهکارها در ذیل راهکارهای بازنگری و باز مهندسی ساختارها و رویه‌ها و روش‌ها در راهکار شماره (۲۱/۱) آمده است: اصلاح و بازنگری ساختار دوره‌های آموزشی براساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

در این راستا، شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۶۵۸ مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۲۷ مصوبه‌ای درخصوص کلیات تقسیم دوره‌های تحصیلی نظام آموزش و پرورش به یک دوره ۶ ساله و دو دوره سه‌ساله به تصویب رساند و مقرر شد: وزارت آموزش و پرورش با همکاری شورای تخصصی تحول و نوسازی نظام آموزشی و ستادهای ذیربط با جلب مشارکت تمامی صاحب‌نظران ظرف مدت سه ماه با برنامه‌ریزی و کارشناسی لازم، سازوکارها و برنامه‌های مربوط به این موضوع و همچنین ارزیابی‌های مربوط به تعیین تکلیف وضعیت مهدکودک‌ها و مراکز پیش‌دبستانی را تهیه و برای بررسی و تصویب به شورای عالی ارائه کند. لازم به یادآوری است که این مصوبه مطابق با بررسی‌ها هنوز به‌طور رسمی و با امضای ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی، ابلاغ نشده است. قبل از این مصوبه، شورای عالی آموزش و

پرورش در جلسه ۷۹۸ مورخ ۱۳۸۸/۹/۲۳ و ۷۹۹ مورخ ۱۳۸۸/۹/۲۴ و ۸۰۰ مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۸ با عنایت به ضرورت تحول راهبردی نظام آموزش و پرورش تغییر ساختار دوره‌های تحصیلی را به شرح زیر تصویب کرد:

۱. طول دوره نظام آموزش و پرورش رسمی کشور دوازده سال می‌باشد که مشتمل بر دوره ۶ ساله اول ابتدایی و دوره ۶ ساله دوم (متوسطه) خواهد بود.

۲. دوره ۶ ساله دوم (متوسطه) به دو دوره سه‌ساله تقسیم می‌شود.

۳. سن ورود برای شروع تحصیلات رسمی ۶ سال تمام خواهد بود.

از طرف دیگر مجلس شورای اسلامی در قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش مصوب سال ۱۳۶۶ در ماده (۱۲) مقرر داشته است که وزارت آموزش و پرورش تغییر بنیادی نظام آموزشی و پرورشی مقاطع تحصیلی را به تصویب مجلس شورای اسلامی برساند. همچنین در قانون شورای عالی آموزش و پرورش در ذیل ماده (۶) «بررسی و تصویب هدف‌ها و نظام آموزشی وزارت آموزش و پرورش جهت ارائه به مجلس شورای اسلامی» آمده است.

با عنایت به شرح محتوای مذکور از مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش و پرورش و مجلس شورای اسلامی، مذاقه در مفادی از محتوای مذکور جهت ارزیابی و نتیجه‌گیری در مورد وضعیت قانونی تغییر ساختار دوره‌های تحصیلی، ضروری است. این موارد به شرح ذیل می‌باشند:

۱. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش سند بالادستی و سیاستگذاری کلان است و به این حیث همه مؤلفه‌های آن به‌طور مستقیم قابل اجرا و لازم‌الاجرا



نمی‌باشد. بلکه الزامات و نیازهای قانونی مرتبط حسب مورد باید استخراج و در مسیر روند قانونگذاری متناسب با ساختار کلان کشور به مجلس شورای اسلامی، ارائه شود.

۲. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش لزوماً قانون تغییر ساختار نظام آموزش و پرورش نمی‌باشد. این سند برای اجرایی شدن به اسناد میانی و احکام قانونی نیاز دارد. اسناد میانی مربوط به خرده‌نظام‌های برنامه درسی، نیروی انسانی، تغییر نظام ساختاری دوره‌های تحصیلی، نظام راهنمایی و مشاوره از جمله این موارد است که باید قبل از اجرا تدوین و به تصویب برسد.

۳. براساس آنچه به نام ۱۲ پایه تحصیلی با تقسیم به چهار دوره سه‌ساله در بیانیه مأموریت این سند آمده است و همچنین راهکار ۲۱/۱ که اصلاح و بازنگری ساختار دوره‌های آموزشی را به مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی مبتنی می‌داند، نمی‌توان نتیجه گرفت که ساختار دوره تحصیلی به صورت ۶، ۳ و ۳ مصوب نهایی است. چون مصوبه کامل و قطعی در این زمینه از شورای عالی انقلاب فرهنگی، وجود ندارد. مصوبه مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۲۷ جلسه ۶۵۸ کلیات تقسیم دوره‌های تحصیلی نظام آموزش و پرورش است و مطابق با شرح همین مصوبه، وزارت آموزش و پرورش هنوز جزئیات آن را به شورا ارائه نکرده است.

۴. مصوبه مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۲۷ جلسه ۶۵۸ هنوز جهت اجرا با امضای رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، ریاست محترم جمهوری، ابلاغ نشده است.

۵. مصوبه ابلاغ نشده مذکور، دوره‌های تحصیلی نظام آموزش و پرورش را به سه دوره - یک دوره ۶ ساله و دو دوره سه‌ساله - تقسیم کرده است، درحالی که در متن نهایی سند دوره ۱۲ ساله به چهار دوره سه‌ساله، تقسیم شده است و لذا مصوبه مذکور به دلیل مغایرت با اصل سند از نظر تقسیم دوره‌ها به سه یا چهار، با شرح مندرج در صفحه ۲۵ سند، منسوخ و بلااثر شده است.

۶. مطابق بند «۹» پیوست صفحه ۱۰ سند، سن تعلیم و تربیت رسمی پنج سالگی است، اما شروع سن افراد لازم‌التعلیم طبق قانون مشخص می‌شود. در این زمینه پاره‌ای از ابهامات رخ می‌نماید: اولاً بررسی محتوای مبانی نظری سند چاپ آذر ۱۳۹۰ به لحاظ نظری نوعی دوگانگی بین سن تعلیم و تربیت رسمی و سن لازم‌التعلیم، را نشان نمی‌دهند ثانیاً اساساً توضیحات مندرج در پاورقی سند همانند متن سند در شأن سند بالادستی است یا خیر، محل ابهام و بررسی است ثالثاً با فرض قابل استناد بودن، با توجه به عدم درج سن خاص به صورت عددی و تصریح به «طبق قانون»، تعیین سن افراد لازم‌التعلیم نیاز به قانونگذاری دارد. رابعاً با فرض قابل استناد بودن پاورقی سند، در صورتی که منظور تدوین‌کننده سند بالادستی عدد سنی مبتنی بر قوانین قبلی مصوب بوده است، از بیان مبهم خودداری و عدد سنی مشخص را اعلام می‌کرد.

۷. بررسی محتوای مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش، مصوب سال ۱۳۸۸ نشان می‌دهد که برخلاف پاورقی مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ص ۱۰، که شروع سن تعلیم و تربیت رسمی را پنج سال پیش‌بینی کرده است، بند «۳» مصوبه



شورای عالی آموزش و پرورش سن شروع تحصیلات رسمی را شش سال تمام پیش‌بینی کرده است. به‌علاوه این مصوبه نیز دوره تحصیلی را به سه دوره ۶، ۳ و ۳ تقسیم کرده است. این مصوبه اگر چه دوره ۶ ساله دوم را به دو دوره سه‌ساله تقسیم می‌کند، لکن به تقسیم دوره ۶ ساله ابتدایی به دو دوره سه‌ساله، مبادرت نورزیده است. نتیجه اینکه این مصوبه نیز به دلیل مغایرت با ساختار چهار دوره‌ای سند، منسوخ و بلااثر شده است.

۸. با فرض قابل اجرا بودن تقسیم دوره ۱۲ ساله به چهار دوره سه‌ساله، هنوز جزئیاتی از آن همانند نام مشخص چهار دوره و سن شروع تحصیل افراد لازم‌التعلیم، نیاز به حکم قانونی دارد. ضمناً افزایش طول مدت آموزش عمومی از ۸ سال به ۹ سال با عنایت به اجباری بودن آن (ص ۲۴ راهنمای عمل مجموعه مستندات تحول بنیادین، شماره ۱، دی ۱۳۹۰) و تبدیل دوره راهنمایی به دوره متوسطه اول نیز نیازمند حکم قانونی است.

۹. در صورتی که سن شروع افراد لازم‌التعلیم را با فرض احتمالی ۶ سال تمام بگیریم و با توجه به شروع تعلیم و تربیت رسمی از پنج سال، به‌طور عملی، دوره تحصیلی ۱۳ ساله خواهد بود. این احتمال با توجه به بار مالی کلان ملی، نیاز به مذاقه و در صورت لزوم، قانونگذاری دارد.

۱۰. با عنایت به توضیحات مصوبه ۶۵۸ مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۲۷ مبنی بر تعیین تکلیف مهد کودکها و مراکز پیش‌دبستانی و ضرورت اعمال سیاست و نظارت یکپارچه بین دوره قبل از دبستان و آموزش و پرورش عمومی، در صورتی که ساختار دوره تحصیلی بدون مصوبه بعدی شورای عالی انقلاب فرهنگی و تصویب نیازهای قانونی

در مجلس شورای اسلامی، به اجرا درآید، معضل یکپارچگی ناکافی و نابسند، کماکان به قوت خود باقی خواهند ماند.

۱۱. مبانی نظری سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، چاپ آذرماه ۱۳۹۰، در تعریف مرحله اول تربیت، ص ۳۴۰، در پاورقی صفحه، مرحله اول را شامل دوره پیش‌دبستان، آمادگی و سال‌های اول و دوم دبستان (در نظام فعلی) تعریف می‌کند. بنا به همین گزارش، در همان صفحه، این مرحله در طرح کلیات تغییر نظام (۱۳۶۷) شامل دوره اساس بوده است. بر این پایه، براساس مبانی نظری سند، ساختار ۱۲ ساله (چهاردوره‌ای) به احتمال بیشتر از پنج سال تمام شروع می‌گردد.

نتیجه اینکه، تحلیل محتوای کیفی سند و سایر اسناد مرتبط نشان می‌دهد که سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش سندی بالادستی و سیاستگذاری است و در پاره‌ای از موارد که اجرای آن دلالت‌های قانونی داشته باشد، اجرای آن مستلزم تدوین احکام قانونی و طی روند تصویب در مجلس شورای اسلامی است. مطابق با این بررسی، بررسی جزئیات ساختار دوره تحصیلی ۱۲ ساله، مشتمل بر چهار دوره سه‌ساله، از جمله سن ورود به تحصیل افراد لازم‌التعلیم، نام دوره‌های تحصیلی، روش تأمین منابع سرمایه‌ای و انسانی، تفکیک دوره‌های تحصیلی به چهار دوره، تعیین طول مدت آموزش عمومی و اجباری، از جمله مواردی است که نیازمند به تصویب در مجلس شورای اسلامی است.



ب) مراحل اجرای طرح: سند بنیادین آموزش و پرورش جهت اجرایی شدن و تأمین نیازهای قانونی، اجرایی و تدوین اهداف، ساختار و برنامه‌های خرده‌نظام‌ها و اجرای تحول در درون نظام آموزش و پرورش به جدول مراحل اجرای طرح به همراه جدول زمانی برآوردها و اجرا، نیازمند است. لازم به یادآوری است که طرح تغییر نظام آموزش و پرورش که در سال ۱۳۴۴ تدوین شده بود و همچنین طرح تغییر بنیادین نظام آموزش و پرورش (۱۳۶۷) نیز دارای مراحل اجرای طرح به همراه جدول زمانی اجرا، بوده‌اند. مشابه این پیش‌بینی در پیش‌نویس برنامه درسی ملی - نگاشت چهارم، غیرقابل استناد - چاپ ۱۳۸۹ سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ص ۱۲۴، با نام «فرآیند زمانی اجرای برنامه درسی ملی» نیز به عمل آمده است. لذا بدون پیش‌بینی و تصویب مراحل اجرای طرح، ابهامات و پیامدهای زیر مورد انتظار است:

۱. تعریف فاز شروع اجرای طرح: در صورتی که چنین پیش‌بینی به عمل نیامد، تعریف سال تحصیلی شروع اجرا، محل ابهام خواهد بود. کمابینه برای وزارت آموزش و پرورش مفروض است که سال اجرای طرح سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ است، در حالی که این مفروض نیز ممکن است محل ادعا باشد که طرح از گذشته و از سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ شروع شده است. تعیین فاز شروع در سال تحصیلی اجرای طرح، مستلزم تعریف پشتیبانی‌های سرمایه‌ای، منابع انسانی و مالی در قانون بودجه سال قبل از اجرا و سال اجراست. مصوبه جلسه ۸۵۱ مورخ ۱۳۹۰/۹/۲۹ شورای عالی آموزش و پرورش ساختار نظام آموزش و پرورش با

ابهام مذکور، اجرا از سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ و همچنین تأیید محتوای پایه اول ابتدایی سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ به تصویب رسیده است. لازم به یادآوری است مراحل اجرای تحول بنیادین امری متفاوت از استقرار ساختار نظام است.

۲. تعیین مسیر اجرای تحول: در صورتی که مراحل اجرایی طرح به درستی تعریف نشود محتمل است که تحول با ساختار دوره‌ها و از پایه ششم ابتدایی آغاز شود، در حالی که با اعمال تغییر از ساختار و از پایه ششم ابتدایی، ایجاد چالش برای اجرای اصل تحول بنیادین به دلایلی که متعاقباً اعلام خواهد شد، مورد انتظار است. مصوبه جلسه ۸۵۱ مورخ ۱۳۹۰/۹/۲۹ شورای عالی آموزش و پرورش، بر این احتمال صحه گذارده است و به‌طور عملی تحول را با تغییر ساختار و از پایه ششم ابتدایی، به تصویب رسانده است لذا تدوین مراحل اجرای تحول بنیادین فراتر از تغییر ساختار، ضرورتی اساسی‌تر می‌یابد.

۳. ارزشیابی اجرای تحول: در صورتی که مراحل اجرای طرح پیش‌بینی و تعریف نشود، تعیین نقطه امکان ارزشیابی از پیامدهای مثبت و منفی اجرای طرح تحول مسیر نخواهد بود.

۴. اغتشاش در ابعاد تحول: در صورتی که پیش‌بینی روشنی از ابعاد اجرایی و نیازهای قانونی و اجرایی طرح نداشته باشیم، تحت تأثیر سلايق شخصی مسئولان وزارت آموزش و پرورش ممکن است اجرای ابعادی از تحول بنیادین و یا اجرای تحول در خرده‌نظام‌هایی از نظام آموزش و پرورش، به بونه فراموشی سپرده شود، یا دستخوش تغییرات پیاپی گردد.



۵. تقسیم کار ملی: از نیازهای اساسی اجرای سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش که تصمیم‌گیری درباره آن به‌عهده نهادهی سیاستگذار و یا قانونگذار است، تقسیم کار ملی برای اجرای سند تحول بنیادین است. تجارب تاریخی ایجاد تغییرات در آموزش و پرورش کشور نشان می‌دهد که حرکت ملی به عزم ملی و فراسازمانی نیازمند است. اجرای تحول عظیم در ابعاد مختلف و زیرنظام‌های آموزش و پرورش بدون مشارکت فعال و مؤثر سازمان‌های دیگر، عملی نخواهد بود. تقسیم کار ملی مصوب در مرجعی همانند شورای عالی انقلاب فرهنگی و یا مجلس شورای اسلامی، همراهی دستگاه‌هایی همانند سازمان بهزیستی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، وزارت بازرگانی، صنایع و معادن، وزارت کشاورزی، قوه قضائیه، معاونت راهبردی ریاست‌جمهوری و معاونت سرمایه انسانی ریاست‌جمهوری را به همراه خواهد داشت.

بر این اساس، پیش‌بینی مراحل اجرای طرح و تعیین اقدامات اساسی به جدول زمانی اجرا از الزامات اساسی اجرای طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش است. این مهم باید مطابق بند «الف ۲-۷» سند، ص ۳۳ از طرف شورای عالی آموزش و پرورش تهیه و جهت تصویب به شورای عالی انقلاب فرهنگی و یا مجلس شورای اسلامی ارسال گردد.

الزامات اجرایی

الزامات اجرایی مواردی از اقدام، قبل و یا حین اجرای طرح تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش است که با تصویب شورای عالی آموزش و پرورش و یا هیئت دولت لازم‌الاجراست، مگر در مواردی که به احکام قانونی خاص نیازمند باشد. البته سعی شده است برپایه تحلیل محتوای کیفی سند تحول بنیادین مواردی که از حساسیت بالایی برخوردار است و به نوعی پیش‌بینی و انجام اقدام درباره آنها، قبل از اجرای طرح، به اثربخشی بالای اجرا کمک ویژه‌ای می‌نماید، شناسایی و ارائه شود. موارد مورد نظر به شرح ذیل می‌باشند:

۱. برنامه درسی ملی: براساس راهکار ۱/۱ مندرج در سند مبنی بر تدوین و اجرای برنامه درسی ملی براساس اسناد تحول راهبردی و بازتولید برنامه‌های درسی موجود با تأکید بر متناسب‌سازی حجم و محتوای کتب درسی، ساعات و روزهای آموزشی، حاکمیت رویکرد فرهنگی - تربیتی، بهره‌مندی فزون‌تر از روش‌های فعال، خلاق و تعالی‌بخش، بهره‌گیری از فناوری نوین و توجه بیشتر به تفاوت‌های فردی، جنسی، شهری و روستایی باید صورت پذیرد. براساس تحلیل محتوای صورت گرفته از سند، راهکارهای ۲/۱ مبنی بر اصلاح برنامه‌های درسی برای تقویت و توسعه جنبه‌های تربیتی و اخلاقی به‌منظور تربیت‌پذیری دانش‌آموزان براساس فرهنگ اسلامی - ایرانی، ۳/۱ مبنی بر بازنگری محتوای آموزشی برای درونی‌سازی و تعمیق و ترویج فرهنگ حیا، عفاف و حجاب، راهکار ۲/۵ مبنی بر تقویت آداب و سبک زندگی اسلامی - ایرانی به رویکرد حاکم بر فرآیند طراحی،



تدوین و اجرای برنامه‌های درسی و آموزشی، ۴/۵ مبنی بر اضافه نمودن درس مدیریت و سلوک خانواده به جدول برنامه درسی دوره متوسطه در تمامی رشته‌ها، ۴/۶ مبنی بر تدوین محتوای آموزشی جهت آشنایی با ویژگی‌ها نیازها و وظایف خانواده در چارچوب ارزش‌ها و معیارهای اسلامی، ۵/۵ مبنی بر اختصاص حداقل ۱۰ درصد و حداکثر ۲۰ درصد از برنامه‌های آموزشی به معرفی حرفه‌ها، هنرها، جغرافیا، آیین و رسوم و نیازها و شرایط اقلیمی و جغرافیایی استان‌ها، ۵/۶ مبنی بر تدوین برنامه آموزشی متناسب با نیازها و نقش‌های دختران و پسران، ۶/۲ مبنی بر گسترش ساختار تلفیقی و مسئله محور در ضمن طراحی و اجرای برنامه‌های درسی برای توسعه تعاملات نظام تعلیم و تربیت رسمی با جامعه، اجرای برنامه جامع کارآفرینی و مهارت‌آموزی برای اتمام دوره‌های تحصیلی به‌ویژه دانش‌آموزان دوره متوسطه تا پایان برنامه پنجم در برنامه درسی و آموزشی، ۹/۳ توسعه مشارکت بخش‌های دولتی و غیردولتی در انجام امور مربوط به تولید، چاپ و توزیع مواد و منابع آموزشی با تأکید بر سیاست تولید بسته‌های آموزشی و سیاست چندتألیفی در کتاب‌های درسی، ۱۶/۲ مبنی بر رعایت اقتضائات هویت جنسیتی (پسران و دختران) و ویژگی‌های دوران بلوغ در برنامه درسی، ۱۷/۲ مبنی بر به‌کارگیری محتوای الکترونیکی با مشارکت بخش دولتی و غیردولتی با تأکید بر ظرفیت چندرسانه‌ای براساس برنامه درسی ملی تا پایان برنامه پنجم، ۲۱/۹ مبنی بر حاکمیت‌محوری به‌جای کتاب‌محوری و تولید بسته آموزشی در برنامه درسی با رعایت اصل معلم‌محوری، نیز به تدوین و اجرای برنامه درسی ملی ارتباط دارند. بر این اساس، با توجه به حساسیت و نقش برنامه درسی ملی در اجرای سند تحول بنیادین و اینکه

معبر اولیه اجرای سند، برنامه درسی ملی می‌باشد، بدون تدوین و تصویب سند برنامه درسی ملی، امکان آغاز اجرای سند تحول بنیادین، به دور از ذهن می‌باشد. بر این اساس تصویب برنامه درسی ملی از الزامات قبل از اجرای سند تحول بنیادین می‌باشد. این برنامه هنوز به تصویب نرسیده است.

۲. تدوین و تصویب اهداف: هدف‌های کلان موضوع فصل چهارم سند تحول راهبردی آموزش و پرورش که در ۸ بند به تصویب رسیده است، باید با بررسی سوابق اهداف مصوب در مجلس شورای اسلامی - قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش مصوب سال ۱۳۶۶ - و اهداف مصوب شورای عالی آموزش و پرورش مشتمل اهداف کلی آموزش و پرورش، اهداف دوره ابتدایی، اهداف دوره راهنمایی، اهداف دوره متوسطه، مصوب جلسات ۶۲۶، ۶۴۷ سال ۱۳۷۷ و ۱۳۷۹، به تدوین اهداف برای دوره‌های تحصیلی در چارچوب سند تحول بنیادین منتهی شود. این اقدام در چارچوب تصویب برنامه درسی ملی نیز قابل پیگیری است. در این راستا، تعارض احتمالی اهداف مورد بررسی و تصویب با مصوبه قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش محل مذاقه قانونی است. این اهداف هنوز به تصویب نرسیده‌اند. آنچه به نام اهداف کلی پایه ششم و اهداف برنامه‌های درسی پایه ششم در جلسه ۸۵۲ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱ شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب رسیده است، مداوم پدیده‌ای را نشان می‌دهد که گسست در نظام اهداف نامیده می‌شود. هنوز اهداف دوره ابتدایی مبتنی بر اهداف تحول بنیادین به تصویب نرسیده است، لکن پایه‌های اول و دوم ابتدایی، دستخوش تغییر شده‌اند و صرفاً با تصویب اهداف کلی



پایه ششم، تغییرات در پایه ششم در حال رقم خوردن است. بر پایه پدیده گسست در نظام اهداف، اقدامات، تهیه محتوا و تربیت نیروی انسانی بدون تکیه‌گاه اهداف مصوب صورت می‌پذیرد و پس از تدوین نظام اهداف، فرآیندهای مبتنی بر آن مورد بازنگری قرار نمی‌گیرند. این پدیده چند دهه در نظام آموزش و پرورش ما حاکم است و چشم‌انداز رفع آن در پرتو تحول بنیادین نیز مشاهده نمی‌شود.

۳. الزام‌ها در چارچوب اجرای برنامه درسی: برنامه درسی ملی هنوز به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش نرسیده است، لکن تحلیل محتوای متن پیش‌نویس - نگاشت چهارم چاپ بهمن ۱۳۸۹ - در باب استلزامات اجرایی، یک اقدام اصلاحی برای تشکیلات سازمان آموزش و پرورش استان‌ها برای ساماندهی بخش غیرمتمرکز برنامه درسی و ایجاد بخش‌هایی با نام‌های «مرکز پایش برنامه درسی ملی»، «مرکز مطالعات و برنامه درسی»، «نظارت و ارزشیابی و مواد و رسانه‌های آموزشی» و «بخش تولید مواد و رسانه‌ها» برای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش پیش‌بینی شده است. علاوه بر الزام‌های مذکور در پیش‌نویس برنامه درسی ملی، موارد ذیل نیز در بخش استلزامات اجرایی آن در نظر گرفته شده است:

۳-۱. اجرای برنامه درسی ملی دارای سه مرحله است که مرحله اول آن سه سال به طول می‌انجامد که مرحله مقدمات کارشناسی و تولید برنامه‌ها و مواد و رسانه‌ها، قبل از آغاز فاز شروع و یا مرحله اجرای برنامه درسی ملی است. مرحله دوم که پس از سه سال آغاز می‌شود، مرحله اجرای برنامه درسی ملی است. بر این اساس، با عنایت به اینکه برنامه درسی ملی به‌عنوان یکی از الزامات اجرای سند تحول

بنیادین هنوز به تصویب نرسیده است، متن پیش‌نویس آن که غیرمصوب است، با شرط تصویب برنامه درسی ملی در شورای عالی آموزش و پرورش، سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ را به‌عنوان مرحله اجرای برنامه درسی ملی و بالطبع، اجرای سال اول سند تحول بنیادین آموزش و پرورش پیشنهاد کرده است. مصوبه جلسه ۸۵۱ مورخ ۱۳۹۰/۹/۲۹ شورای عالی آموزش و پرورش که مصوبه برنامه ملی درسی نمی‌باشد، در اجرای سند تحول بنیادین در عمل به حذف مرحله اول مقدمات کارشناسی و تولید برنامه‌ها و مواد و رسانه‌ها مبادرت کرد و مرحله اجرا را با استقرار ساختار جدید نظام آموزشی از سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ اعلام کرده است. به‌علاوه، در این مصوبه محتوای برنامه درسی اول ابتدایی در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ به منزله گام اول در استقرار نظام جدید تلقی شده است.

۲-۳. مطابق پیش‌نویس غیرمصوب برنامه درسی ملی در بخش استلزامات اجرایی، اجرای برنامه درسی دارای مرحله آزمایشی است. دوره آزمایش برای اجرای برنامه در هر پایه تحصیلی دو سال تحصیلی است. در مصوبه جلسه ۸۵۱ شورای عالی آموزش و پرورش دوره آزمایش حذف شده است.

۳-۳. در مراحل اجرایی برنامه درسی ملی در متن غیرمصوب در بخش استلزامات اجرایی، پایه آغاز تغییر به‌عنوان پیش‌نویس پیشنهادی غیرمصوب مسیر اجرای تحول درخصوص تغییر ساختار دوره‌ها، انجام تغییر از پایه پیش‌دبستان پیشنهاد شده است. در مصوبه ۸۵۱ شورای عالی آموزش و پرورش، مراحل استقرار نظام جدید، تغییر را از پایه اول و ششم مصوب کرده است.



۳-۴. در مراحل اجرایی برنامه درسی ملی در جدول فرآیند زمانی اجرای برنامه درسی در متن غیرمصوب برنامه ص ۱۲۴، سال اجرای تغییر در پایه ششم به صورت قطعی و سراسری سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ پیش‌بینی شده است. در مصوبه ۸۵۱ شورای عالی آموزش و پرورش سال اجرای تغییر در پایه ششم به صورت قطعی و سراسری در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ مصوب شده است.

۳-۵. ابهام در همسوسازی اجرای برنامه درسی ملی: وزارت آموزش و پرورش از شروع سال تحصیلی (۱۳۹۰-۱۳۹۱) در راستای همسوسازی کتب درسی با برنامه درسی ملی، نسبت به بازتألیف و اصلاح کتاب درسی پایه اول ابتدایی اقدام نمود و برای سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ این امر برای پایه دوم ابتدایی تسری خواهد یافت. اینکه مجموعه اقدامات مبتنی بر مفاد اسناد برنامه درسی مصوب صورت می‌پذیرد و یا اینکه آنچه محققان تدوین برنامه درسی ملی به‌عنوان اقدامات همسوسازی کتب درسی پیشنهاد نموده‌اند، محل ابهام است. به بیان دیگر، اینکه این اقدامات همان تحقق وعده‌های تحول بنیادین در کتب درسی است یا همسوسازی و مقدمات آن در اجرای برنامه درسی ملی و تحول بنیادین، به درستی مشخص نمی‌باشد.

۴. تصویب زیرنظام‌ها: مطابق با سند تحول، علاوه بر زیرنظام یا نظام برنامه درسی، نظام تربیت معلم و نیروی انسانی، نظام ارزشیابی، نظام مشاوره و راهنمایی، نظام راهبری و مدیریت، نظام تأمین و تخصص منابع مالی، نظام تأمین فضا، تجهیزات و فناوری نیز باید تدوین و به تصویب مراجع ذیربط برسد. این زیرنظام‌ها و یا نظام‌ها، پس از تصویب شورای عالی آموزش و پرورش حسب مورد و ضرورت

باید جهت تصویب نهایی به سایر مراجع تصمیم‌گیر نیز ارجاع گردد. در این راستا، راهکار ۱۰/۲ مندرج در سند مبنی بر استقرار نظام سنجش معلمان، راهکار ۱۱/۳ مبنی بر جذب و نگهداشت استعدادهای برتر، ۱۱/۱ مبنی بر استقرار نظام تربیت معلم و راهاندازی دانشگاه ویژه فرهنگیان، ۱۱/۴ مبنی بر ایجاد نظام صلاحیت معلمان، ۱۱/۵ مبنی بر ایجاد انعطاف در برنامه درسی تربیت معلم، ۱۱/۶ مبنی بر استقرار سازوکارهای ارتقای توانمندی معلمان، ۱۱/۷ مبنی بر توسعه پژوهشگری میان معلمان، ۱۲/۱ مبنی بر بهینه‌سازی نظام پرداخت‌ها، ۱۲/۲ مبنی بر فراهم آوردن امتیازات برای جذب و نگهداشت نیروهای کارآمد در دوره ابتدایی، ۱۲/۳ مبنی بر ایجاد سازوکارهای قانونی برای افزایش انگیزه معلمان و مربیان، ازجمله راهکارهای مرتبط برای تبیین و تصویب زیرنظام‌ها و یا اصلاح زیرنظام‌ها می‌باشد. در صورتی که وزارت آموزش و پرورش در نظر داشته باشد تا نیازهای اجرایی و اقدامات را در چارچوب زیرنظام‌ها، طراحی و تدوین نماید، به نوعی کلیه راهکارها در ذیل این زیرنظام‌ها قابل پیگیری خواهند بود. در غیر این صورت، پیگیری اقدامات برای راهکارها در چارچوب اقدامات مجزا، به توجه به هر کدام از راهکارها نیازمند است. کلیه برنامه‌ها و اقدامات زیرنظام‌ها، لزوماً باید براساس اهداف مصوب دوره‌ها صورت پذیرد.

۵. اولویت‌بندی راهکارها: در چارچوب تدوین، تصویب زیرنظام‌ها به‌عنوان یکی از الزامات این امر لازم به توجه است، مجموعه راهکارها به اولویت‌بندی نیاز دارد تا امکان پیش‌بینی اقدامات برای راهکارهایی که قبل از اجرای سند باید امور مربوط به



آنها آغاز و اتمام یابد، از راهکارهایی که در طول اجرای سند، پیگیری اقدام در مورد آنها میسر است، مشخص گردند. تدوین و تصویب مراحل سند تحول بنیادین، پاره‌ای از این ابهامات را می‌تواند رفع کند. آنچه در این راستا اهمیت دارد، شناسایی بخش‌هایی از راهکارهای مربوط به زیرنظام‌هاست که بدون اجرای آنها، آغاز اجرای سند با چالش کیفی مواجه می‌شود. بر این مبنای، در این نگاشت سعی می‌گردد، در ادامه به معرفی اقدامات پیرامون راهکارهایی مبادرت گردد که صرفنظر کردن از اجرای آنها در قبل و یا همزمان با اجرای سند، خسارت کیفی برای تحقق اهداف سند را به دنبال خواهد داشت. این اولویت‌بندی هنوز از طرف وزارت آموزش و پرورش تهیه نشده است.

۶. جذب و نگهداشت نیروی انسانی: از مجموعه راهکارهای مربوط به نیروی انسانی استقرار نظام سنجش صلاحیت و بازنگری در نظام رتبه‌بندی و ارتقای علمی و تربیتی معلمان، بهینه‌سازی نظام پرداخت‌ها، اعطای امتیازات برای معلمان دوره ابتدایی، ساماندهی ساعات کار مربیان برای حضور تمام‌وقت موضوع راهکارهای ۱۰/۲، ۱۲/۱، ۱۲/۲، ۱۲/۳، ۱۲/۵، با عنایت به نقش نیروی انسانی، معلمان و مدیران و مربیان، در اجرای برنامه تحول بنیادین به نظر می‌رسد، پیش‌بینی اقدامات در تحقق راهکارهای مذکور قبل از اجرا و یا همزمان با آن، از نقش حساسی برخوردار است.

۷. تأمین و تخصیص منابع مالی: از راهکارهای پیرامونی زیرنظام تأمین و تخصیص منابع مالی، راهکارهای ۲۰/۲، ۲۰/۳، ۲۰/۴ مبنی بر افزایش سهم اعتبارات آموزش و پرورش از تولید ناخالص داخلی، اولویت بخشی به آموزش ابتدایی در

تأمین و تخصیص منابع مالی و افزایش سهم هزینه‌های غیرپرستلی در بودجه جاری، از جمله راهکارهای الزامی است که حداقل یک‌سال قبل از اجرای طرح تحول باید در نظام بودجه‌ای کشور، برآوردهای لازم صورت پذیرد. این اقدام هنوز صورت نپذیرفته است.

۸. اصلاح قانون شوراهای آموزش و پرورش: مطابق با راهکار ۱۳/۱ موضوع اصلاح قوانین و مقررات موجود در راستای تقویت نقش شوراهای آموزش و پرورش استان‌ها و مناطق و مدارس متناسب با مقتضیات تربیتی، اقدامی ضروری است.

۹. اصلاح آیین‌نامه اجرایی مدارس: مطابق با راهکار ۱۳/۲ در راستای طرح تحول، افزایش کارآمدی شوراهای درون مدرسه مانند شورای معلمان و شورای دانش‌آموزان با تفویض برخی از اختیارات اداره و مدرسه به آنان، اقدامی ضروری است.

۱۰. تأمین فضای آموزشی: در راستای اجرای راهکار ۲۱/۸ مبنی بر استقرار و استفاده از نظام دوری در ساماندهی معلمان در سه پایه اول ابتدایی ضروری است. راهکار ۱۴/۱ مبنی بر طراحی و ساخت فضاهای تربیتی متناسب اقتضائات متنوع در چارچوب اجرای طرح تحول، باید قبل از اجرای طرح تحول، اقدامات ضروری صورت پذیرد.

۱۱. نظام رتبه‌بندی مدارس: ایجاد نظام رتبه‌بندی مدارس موضوع راهکار ۱۹/۳ از جمله راهکارهای مهمی است که اولویت اجرایی آن در میان مجموع اولویت‌های راهکارها، باید مشخص گردد.



۱۲. نظام دوری معلمان ابتدایی: مطابق با راهکار ۲۱/۸ ساماندهی معلمان در سه پایه اول ابتدایی به صورت نظام دوری از جمله راهکارهایی است که باید مورد تعیین اولویت راهکاری قرار گیرد. مطابق با پیش‌نویس غیرمصوب برنامه درسی ملی اجرای این نظام، در اولین سال اجرای برنامه، ضروری به‌نظر می‌رسد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، الزامات اجرایی برای اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش موارد معدودی همانند، برنامه درسی ملی، تصویب اهداف، الزامات در چارچوب اجرای برنامه درسی، تصویب زیرنظام‌ها، جذب و نگهداشت نیروی انسانی، تأمین و تخصیص منابع مالی، اصلاح قانون شوراهای آموزش و پرورش، اصلاح آیین‌نامه اجرایی مدارس، تأمین فضای آموزشی، نظام رتبه‌بندی مدارس، نظام دوری معلمان ابتدایی را دربر می‌گیرد.

با عنایت به اینکه اجرای سند اقدامی است که به‌طور عملی باید صورت پذیرد، نمی‌توان اجرای آن را به اجرای بخش‌های دیگر آن احاله کرد. باید موازنه‌ای بین الزامات و اقدامات برقرار نمود تا با تمهید پاره‌ای از اقدامات اساسی که سازنده فضای کلان محیط تحول می‌باشند، زمینه اجرای آن را فراهم نمود. بر این اساس، با تنظیم اولویت بین راهکارهای مصوب مواردی از راهکارها که نقش تعیین‌کننده در آغاز مرحله اجرای طرح تحول بنیادین دارند، به‌عنوان الزام تعیین می‌گردند. بر این پایه، سند تحول هم قابلیت اجرایی به‌دست می‌آورد و هم محیط لازم برای اثربخشی تحول، تضمین خواهد شد.

نیازهای اجرا در سال تحصیلی (۱۳۹۱-۱۳۹۲)

در این بخش با مفروض قرار دادن آغاز اجرای طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش از ساختار دوره‌های تحصیلی و به‌طور مشخص از پایه ششم ابتدایی با مرحله زمانی اجرای طرح از سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲، به برآورد اقداماتی که باید قبل از آن صورت پذیرد، مبادرت می‌ورزیم:

۱. تصویب اهداف حوزه‌های یادگیری و یا موضوعات درسی در هر دوره تحصیلی بر پایه اهداف مصوب دوره‌های تحصیلی، به ویژه اهداف دوره و اهداف حوزه‌های یادگیری دوره‌ای که سال اول اجرا در آن دوره قرار دارد. بر این اساس اهداف دوره ابتدایی و اهداف حوزه‌های یادگیری دوره ابتدایی، اقدامی ضروری است که هنوز به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش و مجلس نرسیده است.

۲. تعیین حوزه‌های یادگیری و یا موضوعات درسی در هر پایه برای هر دوره و تعیین جدول ساعت درسی، به‌ویژه دوره ابتدایی. با عنایت به اینکه برنامه درسی ملی، اهداف دوره‌های تحصیلی، اهداف حوزه یادگیری، هنوز به تصویب نرسیده است، حوزه‌های یادگیری و جدول ساعت درسی هفتگی مربوط به آنها نیز، هنوز به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش نرسیده است. این عنوان، راهنمای کلی دوره تحصیلی متضمن اهداف، روش‌ها، جدول ساعت درسی و مواد درسی، نیز شناخته می‌شود. در مصوبه جلسه ۸۵۲ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱ صرفاً اهداف کلی پایه ششم، اهداف برنامه درسی پایه ششم، جدول مواد و ساعات درسی پایه ششم، به‌طور انحصاری و موردی، به تصویب رسیده است. برای نمونه یکی از حوزه‌های



یادگیری جدید حوزه کار و فناوری است که زمان اختصاص داده شده به آن یک ساعت در هفته می‌باشد.

۳. آماده نشدن راهنمای حوزه‌های یادگیری مقطع؛ برای مثال راهنمای مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و بالطبع انجام نشدن اعتباربخشی آن. در این بخش مطابق با راهنمای عمل تحول بنیادین، شماره ۱، دی ۱۳۹۰، ص ۴۵، اقدامات برای پایه دوم و ششم در راستای همسوسازی و نه اجرای اصلی، صورت می‌پذیرد.

۴. آماده نبودن الگوی بسته آموزشی برای اجرای تغییر از کتاب درسی به بسته‌های آموزشی. در این مورد مطابق راهنمای عمل تحول بنیادین، شماره ۱، دی ۱۳۹۰، ص ۲۶، بسته آموزشی پایه‌های جدید تدوین می‌گردد.

۵. افزایش طول مدت دوره ابتدایی به ۶ سال به افزایش نیروی انسانی شاغل در دوره ابتدایی نیازمند است. جذب نیروی جدید و یا انتقال نیرو از دوره راهنمایی به دوره ابتدایی، هر کدام چالش خاص خود را خواهد داشت. این تمهیدات باید به شکلی صورت پذیرد که معرف تحول بنیادین آموزش و پرورش باشد. در این مورد مطابق با راهنمای عمل تحول بنیادین در وزارت آموزش و پرورش کارگروه تخصصی مرکز برنامه‌ریزی و آموزش نیروی انسانی و کارگروه آموزش ابتدایی تشکیل شده است. با عنایت به حجم و گستره عملیات افزایش نیرو و آموزش آنها، چشم‌انداز اقدامات در مدار حفظ وضع موجود و پایین‌تر از آن خواهد بود.

۶. افزایش طول دوره ابتدایی به ۶ سال به افزایش فضای آموزشی دبستان‌ها نیاز دارد. برنامه‌ریزی و اجرای این تمهیدات باید معرف فضای کلان تحول بنیادین آموزش و پرورش باشد. فضاهای ۵ کلاسه مدارس روستایی مشکل خاص خود را

دارد. با اجرای طرح تغییر به صورت دبستان ۶ پایه در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ احتمال بازگشت به مدارس دو شیفته برای مدارس که در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ به مدارس شیفت ثابت صبح تبدیل شدند، در پاره‌ای موارد، مورد انتظار است. این نوع رخدادهای احتمالی نمی‌توانند معرف فضای تحولی بنیادین باشند. با این فرض، به‌طور کلان یک‌دوازدهم منابع سرمایه‌ای، انسانی و مالی آموزش و پرورش باید از دوره متوسطه به دوره ابتدایی انتقال یابد. در این مورد در وزارت آموزش و پرورش کارگروه تخصصی فضا و تجهیزات آموزشی تشکیل شده است. برآورد چشم‌انداز اقدامات، حرکت در مدار حفظ وضع موجود و یا کیفیتی پایین‌تر از آن، مورد انتظار است.

۷. با توجه به ضیق وقت، دوره‌های آموزش معلمان برای ورود به پایه ششم، با کیفیتی که هدف تحول بنیادین آموزش و پرورش باشد، قبل از شروع تحصیل، رخ نخواهد داد. با حجم این کار، باید به تألیف احتمالی کتب جدید پایه دوم و آموزش معلمان آنها نیز افزوده شود. برای این امر کارگروه تخصصی در وزارت آموزش و پرورش تشکیل شده است، چشم‌انداز اقدامات پیش‌بینی شده کیفیتی متفاوت از مدار وضع موجود، مورد انتظار نمی‌باشد.

۸. هنوز ضوابط اجرایی مورد نیاز برای انتقال دانش‌آموزان از نظام قدیم به نظام جدید - با فرض شروع از پایه ششم - تدوین و به تصویب نرسیده است. برای مثال مشخص نیست با توجه به اینکه در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ پایه اول راهنمایی نداریم، دانش‌آموزان مردودی پایه اول راهنمایی در چه شرایطی قرار



خواهند گرفت. در این مورد در وزارت آموزش و پرورش کارگروه تخصصی سنجش و ارزشیابی تشکیل شده است. چشم‌انداز اقدامات حرکت در مدار وضع کنونی و یا کیفیتی پایین‌تر از آن، می‌باشد.

۹. با توجه به اینکه هنوز تألیف کتب درسی و بسته آموزشی پایه ششم به ثمر نرسیده است، با فرض انجام آن تا پایان فروردین‌ماه ۱۳۹۱، آیا با فرض یک میلیون دانش‌آموز پایه جدید ششم و ۹ کتاب درسی و کتاب راهنمای کار معلم و سایر رسانه‌ها، امکان چاپ و نشر این حجم اثر جدید تا پایان خردادماه ۱۳۹۱، وجود دارد تا فصل تابستان به آموزش معلمان اختصاص یابد؟ با این حجم کار، چاپ و نشر و توزیع کتب و رسانه‌های آموزشی، باید احتمال تولید و چاپ و نشر و توزیع کتب درسی جدید پایه دوم ابتدایی را هم افزود.

۱۰. با افزودن پایه ششم در سال جدید ۱۳۹۱-۱۳۹۲ به دوره ابتدایی و تأخیر احتمال در نظام دوره‌ای - لاکل در بخشی از مدارس کشور - شاهد حضور دانش‌آموزان ۱۲ ساله پایه ششم در کنار نوآموزان پیش‌دبستان خواهیم بود. به این احتمال، افزایش دوره آمادگی به دو سال و از ۴ سالگی و همچنین کاهش سن بلوغ نوجوانان در دهه اخیر، افزوده و پیامدهای تربیتی احتمالی را باید مدنظر داشت.

۱۱. با عنایت به اینکه پایه ششم بخشی از دوره دبستان خواهد بود، ساعت درسی چندان متفاوتی با برنامه جاری ۲۵ جلسه‌ای، نخواهد داشت. مصوبه جلسه ۸۵۲ شورای عالی آموزش و پرورش مؤید همین نکته است. این مقدار ساعت درسی هفتگی در فضای مبهم برنامه‌ریزی درسی موجود، محتوای پایه ششم به احتمال بیشتر به تکمیل پایه پنجم شباهت خواهد داشت. بر این اساس، به احتمالی، با نگرش

دانش‌آموزی آسان شدن محتوای درسی و اظهار رضایت دانش‌آموزان در نظرسنجی‌ها، مورد انتظار خواهد بود.

۱۲. با جدا شدن اول راهنمایی از دوره راهنمایی، دوره راهنمایی به مازاد نیروی انسانی و مازاد فضای آموزشی مواجه خواهد شد.

۱۳. با افزایش پایه‌های ابتدایی به ۶ پایه، به دلیل کمبود فضا، احتمال حذف پاره‌ای از کلاس‌های قبل از دبستان از مدارس، محتمل است.

۱۴. با جدا شدن اول راهنمایی از دوره راهنمایی برای سال تحصیلی آتی، مدارس غیرانتفاعی دوره راهنمایی، با افت جمعیت مدرسه‌ای و مشکلات مالی مواجه خواهند شد. این پدیده و مشکلات آن، برای دوره راهنمایی سه سال ادامه می‌یابد و سپس به دوره متوسطه انتقال می‌یابد.

۱۵. با اجرای نظام دوری در پاره‌ای از مدارس در سال آتی و همچنین الحاق پایه ششم به دبستان، به دلیل مشکلات فضا، احتمال جابجایی مدرسه برای بخشی از دانش‌آموزان و افزایش مشکلات پدیده ثبت‌نام در مدارس در تابستان ۱۳۹۱ مورد انتظار است.

با عنایت به اینکه در عمل برای اجرای تحول بنیادین مقرر است، مسیر تحول با اجرای پایه ششم آغاز شود و نیازهایی که برای اجرای آن برشمرده شد، وزارت آموزش و پرورش در طول ۷ سال اجرای تغییر ساختار، ناگزیر است تمام ظرفیت برنامه‌ریزی و مدیریتی خویش را صرف حل و فصل معضلات ناشی از تغییر ساختار دوره کند. در بهترین فرض چشم‌اندازی، موفقیت اقدامات را رفع پیامدها و معضلات



ناشی از تغییر در ساختار دوره‌ها و به واقع، حفظ وضع موجود، می‌توان پیش‌بینی کرد.

به‌طور مثال اقدام به‌موقع در تأمین فضا با توجه به تغییر ساختار، تألیف کتاب درسی و توزیع آن، آموزش معلمان درخصوص کتب جدید و امثالهم دلهره‌ای است که بر آموزش و پرورش کشور حاکم خواهد شد. اینکه این اقدامات به‌موقع صورت گیرد بالاترین موفقیت است و آموزش و پرورش برای پاسخگویی به این امر و رفع معضلات، فرصتی برای اعمال کیفیت و تحقق تحول بنیادین نخواهد داشت.

نتیجه‌گیری

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش سندی بالادستی و سیاستگذاری کلان است و در صورتی‌که مفادی از سند، دلالت‌های قانونی داشته باشد نیازمند طی روند قانونی است و همه مفاد این سند به‌طور مستقیم لازم به اجرا و قابل اجرا نمی‌باشد. بررسی مفاد سند و سایر مصوبات در شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش و پرورش و مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که سیاست کلان آن است که ساختار دوره‌های تحصیلی در کشور به چهار دوره سه‌ساله تقسیم شود، لکن تعیین سن شروع آموزش و پرورش رسمی و اجباری، طول مدت آموزش و پرورش رسمی و اجباری، نام دوره‌های تحصیلی و سایر جزئیات ساختار دوره‌های تحصیلی، هنوز نیازمند احکام قانونی است. به‌علاوه، در حد الزامات قانونی و سیاست کلان، جدول مراحل اجرای طرح تحول بنیادین و تقسیم کار ملی

مبتنی بر آن، قبل از اجرا، نیاز به تصویب دارد. در این خصوص نحوه، استقرار ساختار دوره‌ها را نمی‌توان برابر با مراحل اجرای تحول بنیادین، در نظر گرفت. در صورتی که مراحل اجرای طرح تحول بنیادین به درستی به صورت جدول و نمودار، طراحی و به تصویب برسد مجموعه راهکارهایی که در سند به تصویب رسیده‌اند، جایگاه اجرایی خود را خواهند دید. در این زمینه توجه به مرحله تمهیدات و ایجاد زمینه و یا طراز تهیه قبل از فاز اجرا از حساسیت بالایی برخوردار است. اقداماتی که باید قبل از شروع به اجرا در مرحله زمینه‌سازی صورت پذیرند، باید شناسایی و به‌طور رسمی و مصوب مشخص شوند. به این دسته از راهکارها، الزامات نیز گفته می‌شود. البته الزامات لزوماً راهکارها نمی‌باشند، بلکه پاره‌ای از راهکارها در ردیف الزامات قرار می‌گیرند. به‌نظر می‌رسد راهکارهایی همانند تصویب برنامه درسی ملی، تصویب اهداف دوره‌ها، تصویب نظام تأمین و تربیت نیروی انسانی و نظام رتبه‌بندی معلمان و تأمین زیرساخت‌های بودجه‌ای و مالی اجرای تحول، تأمین فضا، الزاماتی هستند که در مرحله تمهیدات باید اقدامات مربوط به آنها صورت پذیرد. وزارت آموزش و پرورش چنین الزاماتی را تعریف و به تصویب رسانده است.

اقداماتی همانند تصویب زیرنظام ارزشیابی، مشاوره و راهنمایی، مدیریت و راهبری، اصلاح قانون شوراها، اصلاح آیین‌نامه اجرایی مدارس، برنامه‌ریزی و اجرای نظام دوری معلمان ابتدایی، به لحاظ اولویت در مرحله قبل از اجرای تحول باید، مورد بررسی قرار گیرد.

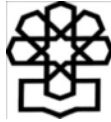


وزارت آموزش و پرورش بر پایه مصوبه آذر و دی شورای عالی آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۱۳۹۱ - ۱۳۹۲ تحول را از تغییر ساختار و ایجاد پایه ششم آغاز خواهد کرد. این اقدام بدون توجه به نیازهای تأمین نشده تصویب برنامه درسی ملی، اهداف مصوب دوره ابتدایی، تصویب حوزه‌های یادگیری در مقطع، تصویب الگوی بسته آموزشی، راهنمای کلی دوره تحصیلی ابتدایی، جدول ساعت درسی دوره ابتدایی و صرفاً با تصویب اهداف پایه ششم و جدول ساعت درسی آن آغاز خواهد شد. این اقدام معضلاتی با جدا کردن اول راهنمایی از دوره راهنمایی و افزودن یک پایه به دوره ابتدایی ایجاد می‌کند که این معضلات در طول ۷ سال اجرای طرح، به اشکال مختلف بازتولید می‌گردند. وزارت آموزش و پرورش در طول ۷ سال آینده، منابع و زیرساخت‌های سرمایه‌ای و توان مدیریتی خود را صرف رفع معضلات ناشی از تغییر ساختار خواهد کرد. بر این اساس، چشم‌انداز وجوه ارزشی، تعلیم و تربیت اسلامی و کیفیتی تحول بنیادین، امیدوارکننده نخواهد بود. با این ملاحظه، مدار فعالیت ۷ سال آتی آموزش و پرورش حرکت در دور وضع کنونی و رفع مشکلات شکلی ساختار خواهد بود.

منابع و مآخذ

۱. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی انقلاب فرهنگی، آذرماه ۱۳۹۰.
۲. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی، آذرماه ۱۳۹۰.

۳. سند تحول راهبردی تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم‌انداز، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، سند مشهد مقدس ۱۳۸۹.
۴. اظهارنظر کارشناسی درباره طرح تغییر نظام آموزشی کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، آبان‌ماه ۱۳۸۹.
۵. برنامه درسی ملی - نگاهت چهارم، غیرقابل استناد - سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، بهمن‌ماه ۱۳۸۹.
۶. رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، ویرایش پنجم، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، اسفندماه ۱۳۸۷.
۷. سند تحول راهبردی تربیت رسمی و عمومی در افق چشم‌انداز، ویرایش پنجم، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، شهریورماه ۱۳۸۸.
۸. سند ملی آموزش و پرورش، ویرایش سوم، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، اسفندماه ۱۳۸۷.
۹. مجموع مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۱.
۱۰. راهنمای عمل مجموعه مستندات تحول بنیادین در آموزش و پرورش، شماره ۱، وزارت آموزش و پرورش، دی‌ماه ۱۳۹۰.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۲۴۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: الزامات اجرایی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

نام دفتر: مطالعات اجتماعی (گروه آموزش و پرورش)

تهیه و تدوین: علی اصغر کاکوجویباری

اظهار نظر کنندگان: سوسن کشاورز، محی الدین بهرام محمدیان، احمد صافی،

حیدر تورانی، حسین احمدی، حسین مظفر، حسین پوزش شیرازی، حسین اسماعیل زاده

ناظر علمی: علی اخوان بهبهانی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: _____

ویراستار ادبی: _____

واژه‌های کلیدی: _____

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۱۲/۲